

[مسأله: اشتراک عبد و حر در قتل 1](#_Toc512185533)

[مسأله: اشتراک عبد و مرأه در قتل حر 2](#_Toc512185534)

[تخییر ولی دم بین قصاص و استرقاق عبد (جانی) 3](#_Toc512185535)

[شرایط قصاص 3](#_Toc512185536)

**موضوع**: شرایط قصاص /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در باب قصاص بعد از موجبات قصاص به مبحث شرایط قصاص می رسد.

###### مسأله: اشتراک عبد و حر در قتل

لو اشترك حرّ و عبد في قتل حرّ عمداً، كان لوليّ المقتول قتلهما معاً بعد ردّ نصف الدية إلى أولياء الحرّ، و أمّا العبد فيقوّم، فإن كانت قيمته تساوي نصف دية الحرّ أو كانت أقلّ منه فلا شي‌ء على الولي، و إن كانت أكثر منه فعليه أن يردّ الزائد إلى مولاه، و لا فرق في ذلك بين كون الزائد بمقدار نصف دية الحرّ أو أقلّ. نعم، إذا كان أكثر منه كما لو كانت قيمة العبد أكثر من تمام الدية لم يجب عليه ردّ الزائد على النصف، بل يقتصر على ردّ النصف.*[[1]](#footnote-1)*

مرحوم محقق ره[[2]](#footnote-2) و مرحوم آقای خویی قدس سره در ادامه مسائل اشتراک، مسأله اشتراک حر و عبد در قتل حر دیگری را مطرح می کنند.

در این مسأله، حکم جانی حُر، حکم همان مشارک در مسائل قبلی است با تمام خصوصیات و قیودی که در فروض مختلف بیان شد، لذا حق قصاص نسبت به حُر برای ولی دم محفوظ است، اما نسبت به جانی عبد، شکی نیست که ولی دم حق قصاص او را هم دارد و بر خلاف جایی که مقتول عبد و مملوک باشد و جانی حُر که به دلیل عدم مساوات قصاص منتفی است، در این جا اگر قاتل مشارک عبد باشد، محذوری در قصاصش نیست.

البته حق قصاص ولی دم نسبت به عبد، در مواردی مستلزم رد فاضل دیه هم هست؛ در مواردی که قیمت عبد به مقدار نصف دیه یا اقل از آن می باشد؛ ر دفاضل منتفی است، اما در صورتی که قیمت عبد بیش از نصف دیه حر باشد، ولی دم برای قصاص موظف به پرداخت فاضل بر نصف دیه از قیمت عبد است.

اما اگر قیمت عبد بیش از دیه حر باشد و به اصطلاح این عبد، عبد نفیس محسوب شود؛ در محاسبه رد فاضل از دیه او، قیمتش بیش از دیه حر لحاظ نمی شود، لذا در نهایت نیمی از دیه، پرداخت می شود و نیمه دیگر هم سهم این عبد در جنایت است.

بنابراین، اقل الامرین از فاضل دیه و نصف در موارد وجود تفاضل، قابل پرداخت است؛ یعنی اگر قیمتش کمتر از دیه باشد، فاضل دیه به او رد می شود اما اگر قیمتش به حد حر یا بیش از آن باشد؛ نصف دیه را به او می پردازند.

دلیل این مطلب هم نصوص و روایات قطعیه است که دلالت دارد بر این که در مقام دیه عبد، نهایتا قیمت دیه حر محاسبه می شود؛ «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دِيَةُ الْعَبْدِ قِيمَتُهُ فَإِنْ كَانَ نَفِيساً فَأَفْضَلُ قِيمَتِهِ عَشَرَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ لَا يُجَاوَزُ بِهِ دِيَةَ الْحُرِّ.».[[3]](#footnote-3)

###### مسأله: اشتراک عبد و مرأه در قتل حر

إذا اشترك عبد و امرأة في قتل حرّ، كان لوليّ المقتول قتلهما معاً بدون أن يجب عليه ردّ شي‌ء بالنسبة إلى المرأة، و أمّا بالنسبة إلى العبد فقد مرّ التفصيل فيه. و إذا لم يقتل العبد كان له استرقاقه، فعندئذٍ إن كانت قيمته أكثر من نصف دية المقتول ردّ الزائد على مولاه و إلّا فلا.*[[4]](#footnote-4)*

از مباحث قبلی روشن می شود که در فرض قتل حر به واسطه زن و عبد، قصاص هر یک از دو مشارک بدون رد چیزی صورت می گیرد؛ چرا که دیه زن نصف دیه مرد حُر است و فاضلی در مقام وجود ندارد، کما این که در مورد عبد نیز این گونه است، مگر عبد خاص و نفیس که گذشت.

اما دلیل قصاص در این فرض، نصوص مشارکت است به واسطه الغای خصوصیت از لفظ رجل و به اضافه نص خاصی که در مقام وجود دارد؛ «ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ ضُرَيْسٍ الْكُنَاسِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ امْرَأَةٍ وَ عَبْدٍ قَتَلَا رَجُلًا خَطَأً فَقَالَ إِنَّ خَطَأَ الْمَرْأَةِ وَ الْعَبْدِ مِثْلُ الْعَمْدِ فَإِنْ أَحَبَّ أَوْلِيَاءُ‌ الْمَقْتُولِ أَنْ يَقْتُلُوهُمَا قَتَلُوهُمَا فَإِنْ كَانَ قِيمَةُ الْعَبْدِ أَكْثَرَ مِنْ خَمْسَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ فَلْيَرُدُّوا إِلَى سَيِّدِ الْعَبْدِ مَا يَفْضُلُ بَعْدَ الْخَمْسَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ إِنْ أَحَبُّوا أَنْ يَقْتُلُوا الْمَرْأَةَ وَ يَأْخُذُوا الْعَبْدَ أَخَذُوا إِلَّا أَنْ يَكُونَ قِيمَتُهُ أَكْثَرَ مِنْ خَمْسَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ فَلْيَرُدُّوا عَلَى مَوْلَى الْعَبْدِ مَا يَفْضُلُ بَعْدَ الْخَمْسَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ يَأْخُذُوا الْعَبْدَ أَوْ يَفْتَدِيَهُ سَيِّدُهُ وَ إِنْ كَانَتْ قِيمَةُ الْعَبْدِ أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ فَلَيْسَ لَهُمْ إِلَّا الْعَبْدُ.».***[[5]](#footnote-5)***

ولی دم مخیر است بین قصاص از مرأه به همراه رد فاضل دیه و عفو او و اخذ نیمی از دیه مقتول، اما نسبت به عبد، قصاص با شرایط و خصوصیاتی که دارد از مسأله قبل روشن می شود.

تخییر ولی دم بین قصاص و استرقاق عبد (جانی)

در موارد جنایت عمد، ولی دم مخیر است بین این که عبد جانی را قصاص کند، و یا این که عبد را استرقاق کند.

بنابراین، اگر مقدار جنایت، معادل قیمت عبد است، تملک او جایز است و هیچ مبلغی هم بر عهده ولی دم نخواهد بود. البته در این تملک رضایت مولی و مالک عبد هم شرط نیست، بر خلاف جنایت خطایی که اختیار عبد کما کان به دست مولی است.

اما اگر قیمت عبد بیشتر باشد، ولی دم حق تملک به مقدار جنایت را دارد و طبق بیان مرحوم آقای خویی ره با رد فاضل مالک تمامی عبد می شود.

# شرایط قصاص

بعد از فراغ از بحث موجبات قصاص، نوبت به مسأله شرایط قصاص می رسد که در آن رویه بر بیان چند شرط محدود است، به نحوی که گویی شرایط در همین موارد منحصر است، ولی حق این است که شرایط متعددی در قصاص وجود دارد.

اولین شرط قصاص، قتل است که در کلمات به عنوان شرط مطرح نیست، بلکه به عنوان موضوع مطرح شده است و سایر شرایط را به عنوان شرایط این موضوع در نظر گرفته اند.

اما در این جا موضوع به عنوان جنایت مطرح می شود، و شرایط این جنایت به عنوان شرایط قصاص به شمار می رود که سه شرط اول آن؛ یعنی قتل و استناد و عمد در مباحث سابق، مورد بررسی قرار گرفت.

بنابراین، اگر جنایت دون القتل باشد؛ قصاص نفسی در کار نیست، و استناد هم اعم از مباشرت و تسبیب است، و یکی از موارد تسبیب هم مشارکت است که به مناسبت مراتب تسبیب بحث مشارکت مطرح شد. عمدی بودن قتل مستند هم یکی دیگر از شرایط قصاص در نفس است، لذا خطا و شبه عمد موضوع قصاص نخواهد بود.

1. . [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج42، ص37.](http://lib.eshia.ir/71334/42/37/) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج4، ص188.](http://lib.eshia.ir/71613/4/188/) [↑](#footnote-ref-2)
3. . [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص304.](http://lib.eshia.ir/11005/7/304/) [↑](#footnote-ref-3)
4. . [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج42، ص38.](http://lib.eshia.ir/71334/42/38/) [↑](#footnote-ref-4)
5. . [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص301.](http://lib.eshia.ir/11005/7/301/) [↑](#footnote-ref-5)